

نگرشی بر پدیدهٔ کودکان خیابانی



خانه‌گریزی یا فرار کودکان و نوجوانان از خانواده، به عنوان یک پدیدهٔ اجتماعی و جهانی، پژوهش‌ها و مطالعات متعددی را به خود اختصاص داده است. عوامل مؤثر در این پدیده از چنان تنوع و گستردگی برخوردار است که ارائهٔ هرگونه برنامهٔ جامع برای پیش‌گیری یا کنترل این پدیده را بدون انجام مطالعات میان رشته‌ای عملاً غیرممکن ساخته است.

آنچه از نتایج پژوهش‌های موجود در سطح جهان ارائه شده است بر این نکته تأکید دارد که تقریباً در سراسر جهان میان سن، جنس، میزان و نحوهٔ فعالیت پس از فرار، مخاطرات و عوامل تهدیدکننده، انگیزه‌ها و عوامل تسریع‌کننده در این پدیده تشابهات فراوانی وجود دارد.

پدیدهٔ خانه‌گریزی و چشم‌انداز جهانی آن

کودکان و نوجوانان فراری که در سراسر جهان بخش قابل توجهی از گروه کودکان خیابانی را تشکیل می‌دهند، "به گروهی از کودکان و نوجوانان اطلاق می‌گردد که تمام یا بخش زیادی از اوقات خود را در خیابان می‌گذرانند و بدون برخوردارگی از هرگونه مراقبت، نگهداری و آموزش، برای بقای خود تلاش می‌کنند."^۱

"در سال ۱۹۹۳، شمار این قبیل کودکان در سراسر جهان بیش از ۱۰۰ میلیون نفر برآورد شده بود."^۲

خانم برینک (BARBAR BRINK) در گزارشی که بر اساس نتایج مطالعات جهانی تا سال ۱۹۹۵ ارائه کرده، عوامل مؤثر در بروز و تقویت این پدیده اجتماعی را به چهار دسته اصلی طبقه‌بندی نموده است.

" در میان کشورهای مورد مطالعه، مهم‌ترین عوامل شناسایی شده در زمینه فرار کودکان عبارت‌اند از:

۱- عوامل ریشه‌ای اجتماعی شامل:

- مشکلات اقتصادی

- تغییرات اجتماعی، رشد سریع جمعیت،

افزایش روند شهرنشینی و میزان بیکاری

- تغییرات فرهنگی

- ناآرامی‌های سیاسی

- بلایای طبیعی، خشکسالی، سیل و زمین‌لرزه

۲- عوامل زمینه‌ای اجتماعی شامل:

- فرصت‌های اندک‌کاری

- توزیع ناعادلانه منابع و خدمات و

فرصت‌هایی مانند مالکیت زمین

- شرایط نامطلوب کاری

- عدم دسترسی به خدمات پایه مانند

مسکن، حمل و نقل، آب و...

۳- عوامل مستقیم شامل:

- میزان بالای بیکاری

- خانواده‌های بزرگ و فقیر

- نرخ بالای طلاق

- سطح پایین تحصیلات والدین

- اعتیاد به الکل

- بدرفتاری جسمی و روانی در خانواده

- فقدان توجه و عطف در خانواده

۴- برداشت‌های متفاوت شامل:

- کودکان برای فرار از بد رفتاری خانواده،

خانه را ترک می‌کنند.

- کودکان برای کمک به معیشت خانواده باید

کار کنند.

- کودکان توسط خانواده‌های خود طرد

می‌شوند.^۳

هم‌چنین مطالعات مزبور نشان می‌دهد که

بیش‌تر کودکان خیابانی را افراد سنین ۱۳ تا ۱۶

سال و عده قابل توجهی از آنان را پسران تشکیل

می‌دهند. برای مثال " در کشورهای برزیل،

فیلیپین و کنیا پسران به ترتیب ۹۰، ۶۳ و ۹۱



لیکن نتایج بررسی‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که میزان کار این کودکان بیش از ۸ ساعت در روز بوده است. برای مثال " این کودکان در کشورهای فیلیپین، هندوستان و برزیل به ترتیب ۶ تا ۱۴ ساعت در روز، ۲۵ تا ۳۵ ساعت در هفته و ۲۰ تا ۴۸ ساعت در هفته به کار اشتغال داشته‌اند.^۶

درصد از کودکان خیابانی را تشکیل داده‌اند.^۲ در سراسر جهان نحوهٔ امرار معاش این کودکان پس از فرار تقریباً یکسان گزارش شده است. نتایج بررسی در این زمینه نشان می‌دهد که " فعالیت‌های این کودکان را می‌توان به سه دسته کلی به شرح ذیل طبقه‌بندی کرد:

۱- فروش اقلام ارزان قیمت با سود کم شامل:

- روزنامه
- بلیط‌های قرعه کشی
- گل
- مواد غذایی
- میوه
- آدامس
- غیره

۲- خدمات شامل:

- کار در کارخانه
- حمل و نقل
- شست و شوی اتومبیل
- نگهبانی اتومبیل
- کار در رستوران
- جمع‌آوری اقلام بی‌مصرف

۳- سایر امور شامل:

- گدایی
- دزدی
- سرقت
- فروش مواد مخدر
- فحشا^۵



هم‌چنین خطرها و عوامل تهدید کننده سلامت این کودکان نیز در سراسر جهان تقریباً

هر چند تعیین ساعات کار این افراد برای امرار معاش به طور دقیق مشخص نمی‌شود

مشابه گزارش شده است. "مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده سلامت این کودکان عبارت‌اند از:

۱- خطرهای جسمانی شامل:

- سوء تغذیه
- ابتلا به بیماری‌ها
- خستگی جسمانی
- کمبود خواب
- نقص استخوان‌بندی
- تصادفات
- عفونت‌ها
- بیماری‌های تناسلی

۲- خطر سوء استفاده و استثمار شامل:

- سوء استفاده روانی توسط کارفرمایان
- سوء استفاده جنسی
- سوء استفاده جسمانی توسط پلیس و...

۳- خطرهای روانی و اجتماعی شامل:

- فقدان عطف و توجه والدین
- فقدان کنترل بر تصمیم‌ها
- فقدان اوقات فراغت
- فقدان رضایت شخصی، تنوع و انگیزش

در کار

- فقدان ارتباط و تعامل با هم‌متانیان و

بزرگ‌سالان^۷

خانه‌گریزی و چشم‌انداز داخلی آن

در کشور ما آمار و اطلاعات دقیقی از شمار کودکان و نوجوانان فراری در دسترس نیست. آمارهای ارائه شده توسط مراکز نگهداری این افراد معمولاً بیانگر شمار کودکان و نوجوانان شناسایی شده یا خود معرف به این مراکز در تهران است.

بر اساس آخرین اطلاعات منتشر شده توسط مرکز سازمان‌دهی کودکان و نوجوانان خیابانی وابسته به شهرداری تهران، فقط در مردادماه ۱۳۸۰ به طور متوسط روزانه ۴۹ مورد فرار به مرکز مذکور در تهران گزارش شده است.

در ایران نیز نوجوانان و جوانان پسر ۱۳ تا ۱۸ ساله بخش عمده‌ای از کودکان فراری را تشکیل می‌دهند. بررسی انجام شده از وضعیت این افراد در خانه سبز در سال ۱۳۷۹ بر این نکته تأکید می‌کند که "بیش از ۶۵ درصد کودکان خیابانی تهران را گروه مهاجرین به این شهر تشکیل داده است."^۸

در این ارتباط آخرین آمار و اطلاعات در زمینه وضعیت محل سکونت این افراد نشان می‌دهد که در مردادماه ۱۳۸۰ استان‌های تهران، لرستان، خوزستان، خراسان، کرمانشاه، آذربایجان شرقی، گیلان، همدان، کردستان و مازندران بیش‌ترین شمار کودکان خیابانی تهران را به خود اختصاص داده‌اند. این مسئله از این جهت حائز اهمیت تلقی می‌گردد که به غیر از استان‌های گیلان و مازندران کلیه استان‌های مورد اشاره طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹ نیز بیش‌ترین فراوانی را در این زمینه داشته‌اند.

هم‌چنین براساس نتایج مطالعات انجام شده امرار معاش کودکان و نوجوانان فراری در تهران شامل فعالیت‌هایی از قبیل "کار در مشاغل واقعی، بهره‌مندی از مشاغل کاذب، ولگردی توأم با باج‌گیری و تکدی‌گری بوده است."^۹

از سوی دیگر مدت زمان غیبت کودکان و نوجوانان از خانه در ایران بسیار متفاوت است. براساس آمارهای موجود "حداکثر و حداقل زمان غیبت این افراد بین یک هفته تا ۴ سال گزارش شده است."^{۱۰}

در میان گروه کودکان فراری به خود اختصاص داده‌اند.^{۱۴}

پیش‌نهادها و برخی راه کارهای کنترل کننده در زمینه فرار کودکان و نوجوانان
آن چنان که در مقدمه این نوشتار مطرح شد ارائه راه کارها و برنامه‌های جامع برای پیشگیری یا کنترل پدیده فرار نوجوانان و جوانان نیاز به مطالعات گسترده میان رشته‌ای دارد. لیکن در زمینه مسائل مربوط به آموزش و پرورش و خانواده می‌توان نکات زیر را مورد توجه قرار داد.

۱- از آن‌جا که پدیده مهاجرت به اشکال مختلف از قبیل رشد و توسعه بی‌رویه شهرها، گسترش حاشیه‌نشینی، ایجاد کانون‌های جرم‌زا در مناطق حاشیه‌ای، افزایش میزان بیکاری، گسترش مشاغل کاذب و... در بروز و تقویت این پدیده اجتماعی نقش بسزایی دارد، در این زمینه علاوه بر ضرورت توجه جدی مسئولان و برنامه‌ریزان کلان کشور برای کنترل پدیده مهاجرت، پیش‌نهاد می‌شود که در تدوین کستاب‌های درسی، پدیده مهاجرت، آسیب‌شناسی و پیامدهای آن به صورت تحلیلی مورد توجه قرار گیرد (آن چه در کتاب‌های سال‌های نخستین مدرسه درباره پدیده مهاجرت ارائه می‌شود غالباً بر جنبه‌های مثبت مهاجرت تأکید دارد. در کتاب تعلیمات اجتماعی سال سوم دبستان، سلسله مباحث خانواده آقای هاشمی نمونه بارزی از این نوع نگرش است. در این زمینه مناسب است در مقاطع بالاتر، نوجوانان و جوانان با رویکردی تحلیلی با پیامدها و اثرات منفی مهاجرت نیز به خوبی آشنا شوند).

به طور کلی نتایج پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با کودکان و نوجوانان فراری در ایران بر این موضوع تأکید دارد که عوامل مربوط به خانواده از قبیل بدرفتاری با کودکان و نوجوانان، طلاق، بدسرپرستی، تک سرپرستی (به ویژه با سرپرستی مادر)، اعتیاد والدین، فقدان کانون گرم خانوادگی و ازدواج مجدد والدین از دیدگاه کودکان و نوجوانان فراری مهم‌ترین انگیزه برای فرار آنان بوده است. در پژوهشی که با عنوان "بررسی علل فرار نوجوانان از خانه" انجام شده است، مشخص گردیده که "عواملی مانند نابسامانی خانواده، سردی روابط عاطفی میان والدین، طلاق، وجود ناپدیری و نامادری، فقر فرهنگی و بی‌سوادی والدین و اعتیاد به عنوان مهم‌ترین انگیزه‌های نوجوانان برای فرار بوده است."^{۱۱}

در پژوهشی دیگر که با "عنوان علل فرار دختران نوجوان کانون اصلاح و تربیت" انجام شده است، رفتار نامناسب والدین، رفتار نامناسب سرپرستان، نبود انگیزه ظاهری و اختلافات خانوادگی به ترتیب با ۴۴، ۴۲، ۴ و ۸ درصد به عنوان مهم‌ترین انگیزه‌های این افراد برای فرار گزارش شده است.^{۱۲}

هم‌چنین در پژوهش مزبور از نظر نوع رفتار سرپرستان مشخص شده که "رفتار مستبدانه، رفتار مبتنی بر سهل‌انگاری و بی‌توجهی و رفتار توأم با آزادی مفرط والدین به ترتیب با ۴۸، ۳۶ و ۱۶ درصد نقش مؤثری در فرار دختران و نوجوانان داشته است."^{۱۳}

پژوهش دیگر که در زمینه کودکان فراری خانه سبز تهران در سال ۱۳۷۹ انجام شده است بر این نکته تأکید دارد که "نوجوانان تک سرپرست و بدسرپرست بیش‌ترین فراوانی را

آموزش‌های تکمیلی ویژه مدیران و دبیران مقاطع راهنمایی و متوسطه مورد توجه قرار گیرد.

۵- از آن جا که تأثیر شاخصه‌هایی از قبیل بدسرپرستی، تک سرپرستی، اعتیاد والدین، نابسامانی خانواده ناشی از طلاق و... در اکثر پژوهش‌های انجام شده به تأیید رسیده است، ضروری است خانواده‌های منطبق با شاخص‌های مزبور به عنوان گروه هدف در برنامه‌ریزی مورد توجه قرار گرفته، سازمان انجمن اولیا و مربیان برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای را با سر فصل‌های متناسب با وضعیت این خانواده‌ها و با هم آهنگی وسایل ارتباط جمعی و مدارس سراسر کشور تدوین و اجرا کند.

۶- مراکز مشاوره و راهنمایی خانواده نقش مؤثری در کنترل پدیده فرار نوجوانان و جوانان از طریق اصلاح و تغییر رفتار والدین یا جوانان و نوجوانان ایفا می‌نمایند. توجه لازم به این مراکز از قبیل فراهم ساختن امکان جذب مشاوران کیفی‌تر (از نظر تجربه و تحصیلات)، توجه به دانش‌افزایی و آموزش‌های تکمیلی مشاوران خانواده و توسعه کمی فعالیت‌های این مراکز می‌تواند توسط مسئولان وزارت آموزش و پرورش صورت گیرد.

۷- گزارش‌های موجود در مراکز مشاوره و راهنمایی خانواده در زمینه نوع و میزان مشکلات و آسیب‌های اجتماعی هر منطقه می‌تواند منبع بسیار مناسبی برای برنامه‌ریزان فرهنگی، اجتماعی و مسئولان محلی و منطقه‌ای در سراسر کشور باشد. بنابراین ارتباط نزدیک مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی و اجتماعی با این مراکز باید بیش از گذشته مورد

۲- از آن جا که فراوانی و میزان مهاجرت کودکان و نوجوانان در برخی از شهرها و استان‌ها بالاتر از سطح متوسط کشور قرار دارد، ضروری است بررسی تحلیلی این موضوع و پیش‌بینی راه‌کارهای لازم توسط استانداری‌های مربوط پیگیری گردد.

۳- با توجه به این که مناطق مهاجرپذیر در مقابل مناطق مهاجر فرست از ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی پیچیده‌تری برخوردارند و آشنایی با ارتباطات و پیچیدگی‌های حاکم بر آن مناطق به طور مستقیم و غیرمستقیم در تدوین و اجرای موفق برنامه‌های عمرانی و آموزشی تأثیر می‌گذارد (برای مثال انگیزه بالای ترک تحصیل به علت جاذبه در آمدهای کاذب در این مناطق در برابر انگیزه کم ادامه تحصیل همواره به عنوان یک چالش بر عملکرد و تصمیم‌های مدیران و معلمان آموزشی در این مناطق تأثیرگذار است)، پیش‌نهاد می‌گردد کسلیه انتصابات مدیران اجرایی، فرهنگی و آموزشی در این مناطق به ویژه انتقال و جابه‌جایی معلمان از مناطق مهاجر فرست به این مناطق تابع ضوابط خاص با تأکید بر گذراندن دوره‌های آموزشی ویژه در این زمینه صورت گیرد.

۴- از آن جا که عده قابل توجهی از کودکان و نوجوانان فراری در کشور ما را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند، ضروری است مربیان و مدیران امور آموزشی، در برخورد با تخلفات دانش‌آموزان در این سنین میان "بزه حرفه‌ای" و "بزه دوران بلوغ" تمایز قائل شده، متفاوت برخورد نمایند. در این زمینه پیش‌نهاد می‌گردد آشنایی با پدیده بلوغ و جوانی و مسائل مرتبط با آن (رفتاری، انضباطی و...) در قالب

توجه واقع شود.

۸- هم‌اکنون نهادها و دستگاه‌های متعددی از قبیل نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی، شهرداری تهران، کانون اصلاح و تربیت و برخی مراکز مشاوره و راهنمایی در زمینه پیگیری امور کودکان فراری به صورت نا هم‌آهنگ فعالیت می‌کنند. هر چند در این تشکل‌ها عدم حضور صاحب‌نظران در زمینه روان‌شناسی، امور آموزشی، حقوقی، تأمین و رفاه اجتماعی قابل تأمل است، لیکن هم‌آهنگی و ارتباط مستمر میان این دستگاه‌ها زیر نظر وزارت کشور می‌تواند رویه مناسبی برای کنترل این پدیده اجتماعی پدید آورد.

۹- ضروری است قوانین موجود در زمینه کودکان بدسرپرست، کودکان تک سرپرست، استثمار کودکان و... مورد بازنگری قرار گیرد تا زمینه تصویب قوانین مناسب‌تر با تأکید بر سیاست‌های تشویقی و حمایتی لازم برای کمک به این قشر آسیب‌پذیر فراهم شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱- برینک، باربارا: رهنمودهایی در جهت طراحی مراکز برای بچه‌های خیابانی، ترجمه نگین عبداللّه‌زاده، انتشارات یونیسف در تهران، ۱۹۹۷، ص ۱۶.

۲- همان منبع، صفحه ۱۶.

۳- همان منبع، صفحه ۱۸.

۴- همان منبع، صفحه ۱۸.

۵- همان منبع، صفحه ۱۹.

۶- همان منبع، صفحه ۱۹.

۷- همان منبع، صفحه ۲۰.

۸- نجفقلی، مریم و کاتبی، طوبی: خانه سبز، بهار ۱۳۷۹، صفحه ۱۵.

۹- همان منبع، صفحه ۱۵.

۱۰- همان منبع، صفحه ۲۵.

۱۱- رحیمی یگانه، زهرا: بررسی رابطه جو عاطفی خانواده و فرار نوجوانان از خانه، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران ۱۳۷۸، صفحه ۵۱.

۱۲- همان منبع، صفحه ۵۲.

۱۳- همان منبع، صفحه ۵۲.

۱۴- نجفقلی، مریم و کاتبی، طوبی: خانه سبز، بهار ۱۳۷۹.

